

دو فصلنامه علمی - اختصاصی مطالعات تطبیقی حقوق بشر

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵ / صفحات ۳۷ تا ۵۷

بررسی الزامات نگرش نظام مند به کلیت حقوق بشر از دیدگاه اسلام

(جهان شمولی اسلام و ارتباط آن با حقوق بین الملل)

دکتر مرتضی اشرفی<sup>۱</sup>

دکتر مجتبی اشرفی<sup>۲</sup>

## چکیده

با توجه به وجود اشتراکات در بین اسلام و حقوق بین الملل از جمله بارزترین آنها حق حیات، ممنوعیت شکنجه، رفتار خشن، موهن و غیر انسانی، ممنوعیت برده داری، ممنوعیت عطف به ماسبق بودن قانون و نیز منع تبعیض بر مبنای نژاد، رنگ، جنس و یا مذهب. آنچه مسلم است اسلام بعنوان جامع ترین دین آسمانی، با توجه به کرامت و ارزش انسانی «ولقد کرّمنا بنی آدم» و اصل برانگیخته شدن رسول گرامی حضرت محمد(ص) که در راستای تکریم و کامل نمودن مکارم اخلاق و تمام اصول انسانی و اسلامی بوده، تمام زمینه ها و آموزه های لازم را برای حفظ انسان فراهم نموده و این کاملاً در کتاب و سنت و سیره معصومین(ع) متبلور است.

کلیدواژه ها: حقوق بشر، اسلام، حقوق بین الملل

---

<sup>۱</sup> دکترای علوم سیاسی، پژوهشگر پژوهشگاه بین المللی المصطفی(ص) جامعه المصطفی العالمیه، مدرس دانشگاه

آزاد اسلامی واحد قم، [mortezaashrafi@yahoo.com](mailto:mortezaashrafi@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دکتری تاریخ ایران دانشگاه شیراز، محقق و پژوهشگر رسانه و سیاست بین الملل.

## بیان مساله :

از سالیان دور موضوع حقوق بین الملل یکی از مسایل مهم و مبتلا به جوامع بشری بوده و فعالیت‌هایی در جهت تامین آن از سوی افراد و گروه‌ها و حکومتها صورت گرفته است. تدوین اعلامیه‌ها و میثاق‌ها و معاهدات و تشکیل سازمانها و کنفرانسهای بین المللی بخشی از این اقدامات است. آنچه امروزه در جهان ما شاهد آنیم نشان از بی‌توجهی سیاستمداران عالم به آموزه‌های انبیا و اولیا الهی می‌باشد. و همین است که روز بروز شاهد جنایات و کشتار عظیم مردم بی‌دفاع و ضعیف در سرتا سر گیتی می‌باشیم اما آنچه در حال حاضر بیشتر نمود دارد و بخصوص بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، هجوم گسترده و بی‌رحمانه غرب و در راس آنها آمریکا به کشورهای اسلامی و نشانه رفتن تیغ دشمنی خود با این کشورهاست و این در حالیست که کشورهای غربی دم از آزادی و دموکراسی و حقوق بشر می‌زنند و ما هر روز شاهد قتل و جنایت و غارت در عراق و افغانستان و فلسطین و جاهای دیگر که این زور مداران عالم به آن دست گذاشته‌اند هستیم. با این وجود دین اسلام به عنوان یکی از ادیان الهی در هیچ دوره ای از تاریخ نسبت به وظایف انسانی غافل نبوده و در هر زمان به ظلم ستیزی و دفاع از حقوق مظلومان جهان پرداخته شده است.

پژوهش حاضر بررسی جهان شمولی دین مبین اسلام در زمینه حقوق بین الملل و بیان مبانی نظری و عملی اسلامی در چارچوب حقوق بین الملل را مورد توجه قرار می‌دهد. در مورد حقوق بین الملل از دیدگاههای گوناگون، کتابها و مقالات زیادی در سال های اخیر به رشته تحریر درآمده است، به طور مثال کتابهایی چون، "تحقیق در نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب" به قلم علامه محمد حسین جعفری؛ "حقوق بشردوستانه بین المللی" به قلم استاد دکتر محقق داماد؛ "حقوق بین الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی" دکتر جمشید ممتاز و دکتر رنجبریان؛ و "مجموعه مقالات همایش بین المللی اسلام و حقوق بشر دوستانه بین المللی" که پاییز سال ۱۳۸۵ توسط دانشگاه مفید قم و با همکاری کمیته ملی حقوق بشردوستانه در قم برگزار کرد اشاره ای نمود.

روش پژوهش حاضر از یک سو تبیینی، و از سوی دیگر توصیفی و تاریخی می باشد. در عین این که کار تحقیقاتی فعلی، کاری نظری است اما به جهت اثبات جهان شمولی اسلام و رابطه این دین با حقوق بین الملل، تبیینی می باشد.

مساله پژوهش حاضر ناظر به مبانی نظری و عملی جهان شمولی اسلام در رابطه با حقوق بین الملل است.

به نظر می‌رسد که حق حیات، ممنوعیت شکنجه، منع تبعیض بر مبنای نژاد، رنگ، جنس و یا مذهب و... به عنوان مبانی نظری و عملی دین مبین اسلام در باب حقوق بین الملل مطرح باشد.

روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد که با مطالعه کتابها و مقالات مختلف در این زمینه و بررسی جنبه‌های مختلف نظری و عملی موضوع، به بررسی رابطه دین مبین اسلام با حقوق بین الملل پرداخته می‌شود.

### ۱. جهان شمولی حقوق بین الملل دینی و تعدد ادیان و تنوع جهان بینی‌ها

در مورد مبنای دینی نظریه حقوق بین الملل ایراداتی وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

مردم جهان از لحاظ عقاید دینی یکپارچه نیستند و دین واحدی بر آنان حکومت نمی‌کند. علاوه بر این، همه مردم جهان در زمره معتقدان ادیان نیستند. بنابراین نظریه دینی حقوق بین الملل در بهترین حالت آنکه عصاره تمام ادیان روی زمین باشد نیز، از جهان شمولی کامل برخوردار نخواهد بود.

در پاسخ باید گفت: بحث حقوق بین الملل، بحثی است به دنبال شناسایی حقوق «انسان از آن جهت که انسان است.» انسان موصوف به: مسلمان، مسیحی، یهودی، ترک، فارس، عرب، ایرانی، آمریکایی، سفید، سیاه و سرخ و... هیچ کدام موضوع حقوق بین الملل نیست. موضوع حقوق بین الملل، انسان فارغ از همه این اوصاف و ویژگی‌هاست: انسان از آن جهت که انسان است. انسان فرامنطقه‌ای، فرافرهنگی و فرادینی و نسبت به دین ماهیت پیشینی دارد که می‌تواند متدین باشد یا نامتدین، مسلمان باشد یا نامسلمان.

ویژگی دیگر حقوق بین الملل این است که به دنبال جهان شمولی است تا بتواند در تمام دنیا مورد پذیرش باشد. همه بتوانند به آن استناد کنند، همه دولت‌ها موظف به اجرای آن باشند و همه آن را طلب کنند. در یک کلام، حقوقی که بتواند مبنای یک گفتمان جهان گستره به حساب آید.

سؤال اساسی این است که راهکارهای دستیابی به چنین حقوقی، که مقدمه تفاهم عام جهان شمول باشد، چیست؟ دیدگاه‌های مختلفی ممکن است در این رابطه مطرح باشد:

برخی بر این عقیده‌اند که «توافق جهانی بر حقوق بین الملل تنها یک راه دارد و آن راهی است که اعلامیه جهانی بر آن گام نهاده است؛ یعنی صرف نظر کردن از توافق بر سر مسایل فلسفی یا دینی مربوط به انسان و چنین توافقی هیچ‌گاه حاصل نخواهد شد.» اعلامیه حقوق بشر راه حل یک توافق عملی اجتناب ناپذیر برای به رسمیت شناختن حرمت و کرامت انسان در هر شرایط و بدون هیچ استثنا و تبعیض را نشان می‌دهد و کاری به اختلاف نظرهای

موجود در انسان شناسی فلسفی و دینی قدیم و جدید ندارد. از همه مهم تر اینکه چنان که رنه کاسن گفته: حقوق بشر در ارتباط انسان با انسان معنا و اعتبار دارد و نه در ارتباط انسان با خداوند (شبستری، ۱۳۷۹، ۲۲۷).

در بررسی این دیدگاه باید گفت:

اولاً، در این دیدگاه نگرش انسان شناختی دین لغو محسوب می شود؛ به این معنا که دیدگاه دین در عرصه انسان شناختی حتی برای گروندگان به آن دین قابل استناد و پذیرش نخواهد بود.

ثانیاً، با غیردینی کردن و فلسفه زدایی از عرصه تفسیر انسانیت، راه یک توافق عام و جهانی برای به رسمیت شناختن حرمت و کرامت انسان هموار نمی شود. چرا که این دیدگاه واقعیتی به نام دین و فلسفه را نادیده می انگارد. در واقع، اساساً تکریم انسان و باور به اصالت وی در ذهنیت آدمیان و دولت ها تنها در پرتو مبنای فلسفی میسر است. این حقیقتی است که اعلامیه نمی تواند و نتوانسته خود را از آن برهاند.

ثالثاً، برتری انسان بر حیوان و تسلط بر او و بهره برداری انسان از طبیعت و محق دانستن خود در بهره برداری خود مبنی بر مقدماتی فلسفی است. بنابراین، چگونه می توان بر ذی حق بودن انسان در صحنه اجتماع و محور قرار دادن وی بر تعاملات اجتماعی بدون اتکا بر پایه های فلسفی اصرار ورزید؟

رابعاً، علاوه بر اینکه این اعلامیه در خود از نوعی تناقض رنج می برد و آن برای رسیدن به جهان شمولی حقوق بین الملل، دین و دین مداران طرد می کنند! در واقع، می توان گفت: جهان شمولی بر اساس این نگرش در یک جهان کاملاً سکولار قابل اجرا و تحقق است و امکان بروز و ظهور یک جامعه غیر سکولار در عرصه بین الملل عملاً منتفی خواهد بود. راه جهان شمول سازی بر اساس این نگرش نفی کثرت ها است. در حالی که، معضل اصلی این بود که با تعدد ادیان و مذاهب و با وجود متدینان و غیرمتدینان چگونه می توان به حقوق بین الملل جهان شمول دست یافت؟

### ۱-۱ دیدگاه اسلام در جمع بین جهان بینی ها

در مقابل، دیدگاهی وجود دارد که در قرآن کریم به عنوان دیدگاه مورد توافق میان پیروان ادیان پیشنهاد شده است:

«ای پیامبر به اهل کتاب بگو بیاوید بر محور کلمه ای که بین ما و شما مشترک است گردیم آییم که جز خدا را نپرستیم و با او کسی را شریک نسازیم و یکدیگر را به جای خدا ارباب خود نسازیم و اگر چنانچه این دعوت را اجابت نکردند با آنان بگوئید که شاهد باشید که ما مسلمان هستیم.» (آل عمران: ۶۴)

در این آیه محور پیشنهادی برای توافق جهانی میان پیروان ادیان در موضوع حقوق بین الملل بر دو عنصر استوار است که مصداق «کلمه سواء» میان آنان به حساب می آید:

### ۱-۱-۱. نفی شرک

همان گونه که ملاحظه می شود، در این دیدگاه توافقی که در اعلامیه جهانی بر آن تأکید شده است، یعنی توافق بر نادیده گرفتن خدا اساساً توافقی **نامشروع** است. به یقین این امر با جوامع دینی و اسلامی غیر قابل پذیرش است. در اسلام همچون وفاق بر غصب، وفاق بر واگذاری جایگاهی که اختصاص به خداوند دارد به دیگری، یعنی «محوریت» برای تعاملات اجتماعی، از اساس فاقد مشروعیت است.

### ۱-۲-۱. نفی سلطه

از سوی دیگر، می توان از این آیه الهام گرفت که در رابطه میان جوامع، اعم از دینی و غیر دینی و در روابط میان همه اعضای جامعه بین المللی باید «کلمه سواء» را کشف کرده و به عنوان محور وفاق میان ملت ها به حساب آورده شود: یعنی «اصل نفی سلطه و احترام متقابل»، اصلی که می تواند سلامت روابط میان همه انسان ها را تضمین نماید. این اصل قرآنی در روابط ملت، جامعه ملل، سازمان ملل متحد و یا در منشور ملل متحد و دیگر اسناد مهم بین المللی، از نظر تئوریک به عنوان مبنای روابط میان ملت ها تأکید شده است.

در ذیل آیه ای که اشاره شد، آمده است: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعُولُوا فَشَهُدُوا بِنَانَا مُسْلِمُونَ»، یعنی اگر از توحید اعراض کردند و روی برتافتند، آنان را بر اسلام خود گواه بگیرید و هرگز به استحاله خود در فرهنگ الحادی تن ندهید و بر محور بعدی برای ایجاد همزیستی مسالمت آمیز مراجعه و تأکید کنید که عبارت از اصل نفی سلطه و روابط میان ملت ها بر اصل احترام متقابل است. بی تردید حق حیات شایسته، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه، حق مساوات در مقابل قوانین، مبانی حقوق بین الملل اسلامی را تشکیل می دهند که در این قسمت مختصراً به برخی از آنها پرداخته می شود:

### ۱-۲-۲. حق حیات شایسته

الف) حیات، عطای خداوندی است و حق حیات برای همه انسانها تضمین شده است و همه دولتها و جمعیتها و افراد مکلفند به حمایت و دفاع از حق حیات در مقابل هرگونه تعدی و وارد شدن هرگونه اخلال بر بقای طبیعی آن، مانند بیماریها و بلاهای طبیعی و انسانی، و جایز نیست جدا کردن هیچ روحی از بدن بدون مقتضی شرعی؛

ب) استفاده از هر وسیله برای نابودی چشمه سار حیات بشری، اعم از کلی و جزئی، حرام

است.

ج) حفظ حیات بشری تا هر زمان که خدا بخواهد واجب است، خواه محافظت از خود در مقابل دیگران باشد و یا تعدی بر خویشان؛

د) قیام علیه کسی که دیگری را مورد استضعاف قرار داده، واجب است؛  
ه) و...

## ۲-۲. منع قتل و شکنجه

در حالت جنگ و نزاع‌های مسلحانه جایز نیست کشتن کسانی که در جنگ و نزاع شرکت نکرده اند، مانند کهنسالان و زنان و کودکان. مجروحین و بیماران حق دارند که معالجه شوند و اسیر حق دارد که اطعام شود و مسکن و پوشاک داشته باشد و مثله کردن کشته شدگان حرام است و جایز است تبادل اسیران و اجتماع خانواده‌هایی که موقعیتهای جنگی آنان را از همدیگر جدا کرده است به مقتضای احکام شرع (لازم بذکر است این ماده در اعلامیه جهانی حقوق بشر از دیدگاه غرب وجود ندارد). هیچ انسانی را نمی‌توان شکنجه بدنی یا روانی یا هر نوع آزارهای موجب ذلت و قساوت بار یا مخالف کرامت انسانی نمود.

## ۲-۳. آزادی

جایز نیست گرفتن و بازداشت کردن انسان یا مقید ساختن آزادی، یا تبعید، یا کیفر دادن او بدون علت شرعی. و نیز ممنوعیت قرار دادن یک انسان در معرض آزمایشهای طبی و علمی نیز به "حق آزادی" مربوط می‌شود که البته در مواردی که انسان اجازه بدهد و این امر برای پزشکی مفید باشد مانعی ندارد. (جعفری، ۱۳۸۰، ۱۴۴-۱۵۴)

## ۳- مفاهیم کلی قوانین انسان دوستانه بین المللی در اسلام

پس از ذکر مقدمات و کلیات بهتر است از شیوه و روش حقوقدان سوئسی، جین پیکت، پیروی کنیم. در آغاز کار، هماهنگ با قوانین انسان دوستانه بین المللی کنونی که متأثر از مکتب حقوق اثباتی است، به تبیین قواعد انسان دوستانه بین المللی در اسلام خواهیم پرداخت.

تخاصم مسلحانه، یا به عبارت دیگر جنگ، در جهان اسلام به دو مقوله کلی تقسیم شده است: جنگ‌های داخلی و به قول ماوردی «جنگ برای مصالح» و دیگر جنگ‌هایی که علیه مشرکین و کفار صورت می‌گیرد. بخش اول تحت عنوان «جنگ‌های غیر بین المللی» و بخش دوم تحت عنوان «جنگ‌های بین المللی» جای می‌گیرد. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۷۲)

## ۳-۱-۱- تخاصمات مسلحانه غیر بین المللی (جنگ داخلی یا جنگ مصالح)

برای روشن تر شدن موضوع لازم است قدری در خصوص انواع مختلف جنگ‌های مصالح عمومی سخن گفته شود:

**اول) جنگ علیه سارقان مسلح و راهزنان:** سارقان مسلح و راهزنان، افراد فاسدی هستند که سلاح به دست گرفته، با راهزنی، مردم را به قتل می‌رسانند، اموال آنها را می‌برند و در جریان آمد و شد و سفر اخلاص می‌کنند. بدیهی است در این خصوص از جنگی سخن می‌گوییم که در محدوده «حقوق بین الملل» قرار می‌گیرد؛ یعنی قوانینی که ناظر بر حقوق انسانی در زمان صلح است، نه قوانین انسان دوستانه بین المللی که حقوق انسان را در زمان جنگ تعیین می‌کنند.

**دوم) جنگ علیه شورشیان (باغیان) و خوارج متمرّد:** باغیان و خوارج، مسلمانانی هستند که علیه امام (و حاکم اسلامی) قیام کرده، با جامعه به مخالفت و تعارض برخاسته‌اند و از شیوه و مکتبی بدعت آمیز و نکوهیده پیروی می‌کنند.

اگر این شورشیان و باغیان، در حالی که با سایر مومنان وفادار مختلط هستند شورش خود را بروز دهند، بر حاکم اسلامی (امام یا نائب امام) فرض است که موضع غیر اصولی و فساد عقیده شان را به آنها متذکر گردد تا به راه راست بازگشته، با جامعه مسلمانان همراه گردند. موضعی که در قبال شورشیان اتخاذ می‌شود، در واقع همانند موضعی است که علیه احزاب و گروههای مخالف اتخاذ می‌شود؛ یعنی تا زمانی که مخالفت آنان با اعمال خشونت آمیز یا توسل به قوه ی قهریه توأم نباشد، در اظهار عقاید خود کاملاً آزاد هستند؛ اما هرگاه به هر یک از دو عمل یاد شده، توسل جویند، امام حق دارد آنها را مجازات کند و بدیهی است این امر، ارتباطی با قوانین انسان دوستانه بین المللی ندارد.

**سوم) جنگ علیه مرتدین:** جنگ علیه مرتدین در واقع جنگ علیه آنان است که قبلاً اسلام آورده اند، لکن بعد از اسلام روی بر تافته اند. درباره این افراد رسول الله فرمود: «هر که دین خود را تبدیل می‌کند، به قتل برسانید». ایشان همچنین فرمود: «خون هیچ مسلمانی را نمی‌توان ریخت، بجز در سه مورد: کفر بعد از ایمان، زنا ی محصنه، کشتن یک انسان نه از روی قصاص». رابطه بین این نوع جنگ و قوانین بین المللی را حقوق بشر تعیین می‌کند، یعنی آن دسته از موازینی که حقوق انسانی را به زمان درگیری مسلحانه بین یک دولت با دولت دیگر است. اما هرگاه مرتدین به یک سرزمین غیر اسلامی وارد شوند که دسترسی به آنان مقدور نباشد، و در آنجا حکومتی تشکیل دهند و بخواهند بر خاک اسلامی حکمروایی کنند، به لحاظ ارتداد، باید با آنها جنگید. البته جنگ علیه آنان به دنبال اعلان و هشدار صورت می‌گیرد، درست همانطور که در مورد جنگ با دشمنان خارجی عمل می‌شود. با این همه، چهار تفاوت بین جنگ با این گونه مرتدین و جنگ با دشمنان خارجی وجود دارد:

۱. به هیچ وجه مذاکره صلح صورت نمی‌گیرد و با آنان در سرزمین خودشان منعقد نمی‌شود، در حالی که با دشمنان می‌توان قرارداد صلح منعقد کرد.

۲. با مرتدین بنا به لحاظ مالی به هیچ وجه مصالحه و سازش جایز نیست، در حالی که در این خصوص با دشمنان خارجی منعی وجود ندارد.

۳. مرتدین را نمی توان به بردگی گرفت و زنان آنان را اسیر کرد که البته در این مورد بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.

۴. اموال مرتدین جزء غنایم محسوب نیست، حال آنکه رزمندگان فاتح می توانند از دشمنان خارجی غنیمت بگیرند. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۷۳-۸۰)

### ۳-۱-۲- تخصیصات مسلحانه بین المللی

در بررسی تخصیصات مسلحانه بین المللی، ابتدا به تبیین قواعد و قوانین انسان دوستانه بین المللی در رابطه با این نوع تخصیصات پرداخته، اصول مهم آن را تجزیه و تحلیل می کنیم. اگرچه ممکن است حمل بر کلی گویی شود، لیکن می توان اذعان کرد که تمام اصول اثباتی، برگرفته از مفهوم مهم و عام الشمولی است که در مقدمه اعلامیه سن پترزبورگ (۱۸۶۸) آمده است: «تنها هدف مشروع دولت ها از جنگ باید تضعیف قوه و اقتدار ارتش دشمن باشد». در نتیجه آنچه در محدوده این هدف قرار می گیرد، با قوانین انسان دوستانه بین المللی تعارضی ندارد؛ حال آن که آنچه ورای آن و مغایر با عرف بین المللی یا مفاد معاهدات باشد، در واقع تجاوز از آنچه چیزی است که به موجب پروتکل دوم «تخطی از اصول انسانیت و موازین وجدان عمومی» خوانده شده است.

در این خصوص در قرآن کریم آمده «انان که با شما به ستیز برمی خیزند، با آنان جنگ کنید، اما از حدود و موازین معینه تجاوز نکنید، که خدا خطا کاران را دوست ندارد». به این ترتیب خداوند، تجاوز از اهداف مشروع را در جنگ منع فرموده و تخطی از آن را خطا محسوب کرده است. آیه شریفه یاد شده صراحتاً هدف از جنگ را دفع تجاوز دشمن اعلام کرده است.

از رسول الله (ص) منقول است: «زمانی که دولت مقتدر با دولت ضعیفی به جنگ پرداخت و خداوند دولت ضعیف را نصرت فرمود تا بردشمن پیروز شد، لیکن دولت غالب، دولت مغلوب را سرکوب و ذلیل کرد و از پیروزی خود سوء استفاده کرد، از این رو خشم خداوند تا روز جزا بر آنان نازل خواهد شد». این امر مبین اصل کلی و بنیانی برای بسیاری از قوانین است که حسب آن، رفتار و آزادی دولت ها محدود می گردد. ما این قوانین را تحت این عناوین بررسی می کنیم: (۱) به کاربردن سلاح، (۲) رفتار با دشمن در جنگ (۳) سلوک با اسرای جنگی.

**اول: به کاربردن سلاح:** اندیشه انسان دوستانه همواره بر آن است تا از میزان سبعیت و وحشیگری در جنگها بکاهد و با هدف کاستن از موارد بی رحمی در منازعات، حق انتخاب سلاح را محدود می سازد و به کاربردن سلاحی را که رنج و درد ناهنجار ایجاد می کند منع می کند. با



این همه هنوز قانون جامعی در این باره وضع نشده و قواعد کلی که برای تحقق آن اهداف وضع شده اند نیز ناقص و نارسایند.

دوم: تمیز رزمنده از غیر رزمنده: در تعالیم اسلامی در رابطه با سلاح، هدف دیگری نیز مورد توجه است و آن اینکه "استفاده بدون هدف از سلاح که ممکن است هم به رزمنده متخاصم و هم به غیر رزمنده و احتمالا به اهداف نظامی بدون تشخیص و تمایز اصابت کند ممنوع است." بنابراین، هر رزمنده ای با دو تکلیف مواجه است: اول آنکه رزمنده را از غیر رزمنده تمیز دهد و فقط اولی را هدف قرار دهد و دوم اینکه مواضع نظامی را از غیر نظامی تمیز بدهد و در این مورد نیز هدف او حمله به موضع اول باشد. هر رزمنده مسلمان متعهد است که در هر حال فقط رزمنده متخاصم را هدف قرار دهد و این امر در حدیثی از رسول الله (ص) به این شرح تأیید شده است: "پیامبر در پایان یکی از غزوات ملاحظه کردند که عده ای تجمع کرده اند. ایشان کسی را مأمور بررسی علت آن امر کردند. مأمور بازگشت و به رسول الله (ص) گفت: علت آن کشته شدن یک زن است. رسول الله (ص) فرمودند: چرا او را کشته اند در حالیکه قطعاً او (زن) نمی توانسته در حال جنگ باشد؟"

سوم: رفتار با دشمن در جنگ: در این قسمت هم به اعمالی می پردازیم که با دشمن در حین جنگ انجام می شود. اولین قانون انسان دوستانه بین المللی مقرر می دارد که هر رزمنده باید از کشتن مجروحان و بیماران و شکنجه کردن و دست زدن به رفتار موهن با دشمن خود داری کند و زمانی که دشمن یا بواسطه از کار افتادن سلاحش و یا تسلیم شدن قادر به ادامه جنگ نباشد، از کشتن او بپرهیزد. این اصل بنیانی قوانین انسان دوستانه بین المللی در تبصره «ج» ماده ۲۳ کنوانسیون لاهه در سال ۱۹۰۷ وضع و توسط ماده ۳۸ از اولین پروتکل و ماده ۷ از دومین پروتکل کنوانسیون ژنو تأیید شده است. در قواعد انسان دوستانه بین المللی اسلامی به این اصل در قالب آیات و احادیث متعدد توجه خاصی مبذول گردیده است. ذات باری تعالی به مسلمانان حکم می فرماید که با دشمنان به عدالت رفتار کنند: «تا زمانی که آنان با شما عادلانه رفتار می کنند، شما نیز با آنان عادلانه رفتار کنید. همانا به راستی خداوند تقوا پیشگان را دوست می دارد».

خداوند همچنین مسلمانان را به صلح ترغیب می فرماید: «چنانچه آنان (دشمنان) به صلح راغب باشند، شما نیز صلح کنید و به خداوند توکل کنید». ذات باری همچنین کشتن دشمنی را که سلاح بر زمین نهاده و یا از ادامه جنگ دست شسته منع می فرماید: «چنانچه آنان از شما اعراض کردند و دیگر با شما پیکار نکردند و پیشنهاد صلح کردند، در این صورت ذات باری به شما اجازه جنگیدن با آنها را نمی دهد».

این مفهوم در مرتبه نخست مبتنی بر آن دسته از آیات قرآن بویژه آیات ۱۹۰-۱۹۴ از سوره بقره و آیات ۱۰۲-۱۰۵ و ۱۱۰-۱۰۷ از سوره آل عمران است که به گفتار و کردار پیامبر در دوران عداوتها و دشمنی های تحمیل شده بر ایشان مربوط می شود، و در نهایت مبتنی بر قواعد استنباط شده از اصول اساسی پنجگانه نظام حقوقی اسلامی بوده است. شاید بهترین راه روشن ساختن این مفهوم، به خصوص برای کسانی که با تعالیم اسلام آشنایی ندارند، توضیح آن با توجه به کنوانسیونهای ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل های الحاقی باشد. برای این کار از ترتیبی که در پروتکل اول مراعات شده، یعنی بیان قواعد اساسی، شیوه ها و روشهای جنگ، حفظ مردم غیر نظامی و حمایت از اهداف غیر نظامی پیروی خواهیم کرد.

۱. مفهوم حقوق بین الملل بشردوستانه در اسلام شامل برخی قواعد است که بنیادی محسوب می شوند و سراسر نظام حقوقی بشر دوستانه اسلام متأثر از آنهاست.

قبل از همه چیز باید توجه داشت که مفهوم اسلامی مورد نظر بین اقسام جنگ یا مخاصمات مسلحانه فرق نمی گذارد. خواه جنگ برای تبلیغ اسلام یا مطلع کردن مردم از آن باشد، و خواه جنبه تدافعی داشته، علیه کافران، دشمنان، منافقان، تفرقه افکنان، یاغیان، و شورشیان باشد، قواعد حاکم بر آن یکسان است، زیرا این قواعد منشا الهی دارند و باید بوسیله همه بدون تبعیض و تمایز مراعات گردند. لذا این قواعد تمامی منازعات مسلحانه بین المللی یا غیر بین المللی وجود ندارد.

۲. قسمت سوم نخستین پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو شامل قواعدی در مورد روشها و وسایل جنگی و رزمندگان و اسرای جنگی است. این قواعد در کمیته سوم کنفرانس دیپلماتیک در مورد تأیید و انشای حقوق بین الملل بشردوستانه تلقی گردید. لازم به تذکر است که این مقررات در زمان صلح و هنگامی که جنگ فلسفه وجودی خود را از دست داده بود، مورد بحث قرار گرفته است، یعنی زمانی که جنگ دیگر وسیله ای ضروری یا صحیح برای حل اختلافات تلقی نمی شد و در افکار عمومی جهان نیز قابل قبول نبود. مع هذا تنظیم مقررات مذکور چهار سال طول کشید و تصویب نامه نهایی که به آنها قدرت قانونی می داد، در ۱۰ ژوئن ۱۹۷۷ یعنی سیزده قرن بعد از ظهور اسلام، به امضاء رسید.

با بررسی دقیق معلوم می شود که اغلب مواد قسمت های سوم و چهارم پروتکل اول الحاقی به وضوح تحت مفهوم حقوق بین الملل (بشردوستانه) اسلامی جای می گیرد. دیگر مواد این قسمت ها به طور مستقیم در این نظام حقوقی اسلامی وجود ندارد. دلیل این امر واضح است، زیرا چنین جزئیاتی به زندگی در جوامع امروزی مربوط می شود. اما جوهر و ماهیت تمامی این مواد در اصول کلی مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه وجود دارد. قواعد مربوط به واقعیت زندگی در جوامع معاصر و آینده باید در چهارچوب پنج اصل اساسی نظام حقوقی اسلامی مورد بررسی

قرار بگیرند. این واقعیات جدید باید بر پایه استنباط (اجتهاد) مورد قبول قرار گیرند و یا رد شوند و این بستگی به تطابق یا تناقض آنها با پنج اصل بنیادین نظام حقوقی اسلامی دارد. به عبارت دیگر، هر مقرر قانونی مربوط به امروز یا فردا که موافق با اصول بنیادین اسلام باشد، خود به خود در نظام حقوقی اسلام وارد، و جزء لاینفک مفهوم حقوق بشر دوستانه اسلام می‌گردد. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۱۶۲-۱۶۶)

### ۳-۲-۱ جلوه های حقوق بشر دوستانه در مکتب اهل بیت (ع):

پیامبر اسلام (ص) پس از پایان جنگ احزاب و اسارت یهودیان به دست مسلمانان، فرمودند: به اسیران خود آب گوارا بنوشانید و از غذای نیکو و لذیذ به آنان بخورانید و اسارتشان را نیکو بدارید. (بحار الانوار، ج ۲۰، ۲۳۸)

در جایی دیگر به نقل از امام صادق (ع) است که: رسول مکرم اسلام (ص)، از قتل زنان و کودکان در میدان جنگ، منع می فرمودند، مگر در صورتیکه اقدام به مبارزه کنند که در این حالت هم می فرمودند تا جایی که امکان دارد از جنگیدن با آنان پرهیز نمائید. (بحار الانوار، ج ۱۹، ۳۳۵)

حضرت امیر (ع) فرمودند: آغاز کننده جنگ نباشید و مقاتله نمائید تا آنکه دشمن ابتدا به جنگ نماید. در صورتی که کار به جنگ بینجاند، هیچگاه بر مجروح هجوم مبرید و قصد قتلش مکنید و اگر دشمن را منهزم ساختید و فرار اختیار کردند، از پی آنان نروید و دنیا لشان نکنید. بدن کسی را برهنه مسازید و عورت او را مکشوف نکنید و کشته دشمن را مثله نکنید و هرگاه به اندرون خانه های دشمن راه یافتید، پرده دری نکنید و داخل خانه ها نشوید و از اموالشان، چیزی بر ندارید و زنان را آزار مدهید حتی اگر زبان به بدگویی شما بگشایند و به امیر شما و بزرگانان ناسزا بگویند. (بحار الانوار، ج ۳۲، ۲۱۳)

در جایی دیگر حضرت امیر (ع) دارند که: بچه ها را به اسیری نگیرید، به زخمی حمله نکنید و دنبال کسی که در حال فرار است نروید. هر کس در خانه اش را بست و سلاح بر زمین نهاد، ایمن است و... (خبرنامه ۳، ۱۳۸۵، ۲۹)

### ۳-۲-۱-۱ حمایت از قربانیان جنگ و رفتارهای ممنوع

رزمنده اسلام، از انهدام جمعی یا تهدید به انهدام جمعی دشمن و نیز سلب حق تسلیم برای دشمن منع شده است. این قاعده عینا در ماده ۴۰ از پروتکل اول و بند یک از ماده چهارم پروتکل دوم در تایید مفاد بند "د" از ماده بیست و سوم کنوانسیون سال ۱۹۰۷ آمده است. بنابراین، حکم اسلامی در این خصوص بر تمامی قوانین یاد شده در بالا تقدم زمانی دارد. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۹۸)

بی احترامی به زخمیها:

بر اساس قوانین انسان دوستانه بین المللی، باید با زخمی ها و مجروحان با احترام و به شکل انسانی رفتار کرد. به این منظور، به سازمانهای پزشکی بسیار اهمیت داده می شود و به همین دلیل است که بسیاری از اصول کنوانسیون ژنو سال ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی درباره زخمیها و بیماران، کشتی شکستگان و سازمانهای پزشکی است.

قضیه صلاح الدین ایوبی که به دشمن زخمی خود تا بهبودی اش کمک نمود و صدها مورد دیگر که درسیره و سنت نبوی و حضرات معصومین (ع) بسیار آمده است نمونه ای از آن است.

### محروم ساختن از آب و غذا:

همانطور که در قسمتهای قبل هم اشاره شد سنت و سیره ائمه (ع) چنان کامل است که می فرمایند به اسرای خود آب گوارا بنوشانید. اسلامی که کشتن حیوانات را مگر به ضرورت آن منع نموده است چطور می تواند انسانی را با بستن آب و غذا برویش مواخذه کند.

### ۲-۱-۲-۳ بر خورد با اسیران جنگی:

هرکس اسلحه بر زمین بگذارد در امان است. (بحار، ج ۴۱، ۱۴۵) هرکس به لشکر امام پناه بیاورد نیز در امان است. (بحار، ج ۵۲، ۳۶۷)

حضرت امیر (ع) وقتی ضربت خوردند به امام حسن (ع) فرمودند: پسر من با اسیر در دست مدارا بنما و به او رحم کن و او را نیکو بدار و با شفقت و مهربانی با او رفتار کن. سپس غش کردند. وقتی بهوش آمدند از شیری که خودش می نوشید، فرمود به قاتل من که در دست شما اسیر است نیز از این شیر بدهید. همانطور که در بحث حقوق بشر از دید اسلام نیز آمد نباید با اسیر خلاف کرامت انسانی برخورد کرد و اسیر حق دارد در صورت زخمی بودن معالجه شود و نیز مورد اطعام و مسکن قرار گیرد. (جعفری، ۱۳۸۰، ۱۵۱)

### نتیجه گیری

بحث علمی و منطقی گسترده و عمیقی در مورد مفهوم حقوق بشر دوستانه و نگرش اسلام در این خصوص، و نقد و بررسی اصول و موازین اعلام شده به عنوان اصول مسلم و جهان شمولی حقوق بشر باید صورت گیرد.

در این زمینه باید کسانی که عمیقا از مبانی اسلامی مطلع اند و از قدرت اجتهاد به معنی وسیع و کامل آن برخوردارند و دارای سعه صدر و فارغ از پیش داوری های غیر علمی و غیر منطقی هستند و با مفاهیم و اصطلاحات روز و تجزیه و تحلیل های مربوط به حقوق بشر آشنایی دارند، بحثی جدی بنمایند و نکات مشترک و موارد افتراق را به خوبی روشن نمایند.

اگر اسلام دیدگاه متفاوتی دارد، باید به گونه ای که دنیای امروز بتواند درک کند، آن دیدگاه تشریح شود و مزایای آن برای تامین بهتر حقوق ذاتی انسان تبیین گردد. از اصول اعلام شده حقوق بشر در اعلامیه ها و میثاق های بین المللی نقد علمی به علمی به عمل آید و بر عدم قابلیت جهان شمول بودن تمام آن اصول، استدلال منطقی، ارائه گردد.

در حال حاضر حقوق بین الملل و به معنی اخص حقوق بشر دوستانه ابزاری شده در دست دولتهای غربی واستعمارگر که علیه کشورهای مخالف آنها ویا آن کشورهایی که از زیریوغ آنها خارج شده اند.

"برخورد دوگانه غرب وسازمان ملل با مساله حقوق بین الملل و گزینشی عمل کردن آنها، این شبهه را قویا در ذهن ایجاد می کند که اگر دولتی معیارهای غرب را قبول و سیاست خود را با آن هماهنگ نمود همانند آنها می تواند ناقض حقوق بین الملل باشد و با کمک آنها توجیه سازمان ملل پسندی نیز برای این عمل خود بیابد.

ولی اگر حمایت آنها را عملا نپذیرد و سیاست خود را با آنها هماهنگ نکند، هر تلاشی که در زمینه حقوق بشر نماید به حساب نخواهد آمد و این او را از اتهام ناقض حقوق بشر مبری نمی کند.

## منابع

۱. آنتونی پ. و. راجرز، پل مالرب، (۱۳۸۲)، قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، انتشارات امیرکبیر، تهران
۲. ثریایی آذر حسین، (۱۳۸۲)، حقوق بین الملل عمومی، جلد اول، نشر قومس، تهران
۳. جعفری، محمد تقی، (۱۳۸۰)، رسائل فقهی، انتشارات تهذیب، قم
۴. جعفری، محمد تقی، (۱۳۸۰)، رسائل فقهی، انتشارات تهذیب، قم
۵. جوادی آملی، عبدا... (۱۳۸۳)، فلسفه حقوق بشر، چاپ چهارم، انتشارات اسراء، قم
۶. خبرنامه همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی شماره اول، حمایت از قربانیان جنگ در پرتو قوانین اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی، بهمن ۱۳۸۴.
۷. خبرنامه همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی شماره سوم، جلوه های حقوق بشردوستانه در مکتب اهلبیت (ع)، خرداد ۱۳۸۵.
۸. دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، (۱۳۸۰)، آشنایی با کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران، انتشارات اداره کل روابط عمومی جمعیت هلال احمر، تهران
۹. دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، (۱۳۸۲)، بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین المللی (مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق بشردوستانه بین المللی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، نشر سرسم، تهران
۱۰. دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، (۱۳۸۳)، رعایت حقوق بشردوستانه بین المللی، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه ایران، نشر سرسم، تهران
۱۱. ده نمکی، مسعود و همکاران، (۱۳۷۴)، مقاومت در اسارت، انتشارات آسمان دانش، تهران

۱۲. سازمان ملل متحد، (۱۳۷۴)، واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ترجمه: قدرت الله معمارزاده، انتشارات کتاب سرا، تهران
۱۳. سازمان ملل متحد، (۱۳۷۴)، واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ترجمه: قدرت الله معمارزاده، انتشارات کتاب سرا، تهران.
۱۴. سیاه رستمی، هاجر، (۱۳۸۴)، حقوق بین الملل بشردوستانه (پاسخ به سوالات شما)، چاپ دوم، انتشارات امیر کبیر، تهران
۱۵. سیاه رستمی، هاجر و حسین نژاد کتایون، (۱۳۸۵)، مجموعه مقالات همایش نهضت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر و حقوق بشردوستانه، انتشارات کلام شیدا، تهران
۱۶. سید آقایی، داود، (۱۳۸۱)، ایران و سازمانهای بین المللی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران
۱۷. سیف زاده، حسین، (۱۳۷۴)، اصول سیاست خارجی و روابط بین الملل، انتشارات سمت، تهران.
۱۸. شبستری، محمد مجتهد، (۱۳۷۹)، نقدی بر قرائت رسمی از دین، برهان ها و چالش ها، راه حل ها، انتشارات طرح نو، تهران
۱۹. شبستری، محمد مجتهد، (۱۳۷۹)، نقدی بر قرائت رسمی از دین، برهان ها و چالش ها، راه حل ها، انتشارات طرح نو، تهران
۲۰. شریفیان، جمشید، (۱۳۸۰)، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران
۲۱. صابری، هنگامه، (۱۳۷۸)، ضمانت اجرا در حقوق بشردوستانه، انتشارات وزارت امور خارجه
۲۲. کاظمی کرهرودی، حسین، (۱۳۸۱)، حمایت از انتفاضه ی فلسطین، چرا؟، انتشارات پیام دبیر، قم
۲۳. کریمی، عبدا... (۱۳۸۳)، هویت، گذری بر روان شناسی اسارت، انتشارات گویا، اصفهان

۲۴. کنعانی، محمد طاهر و دیگران، (۱۳۸۵)، حقوق بین الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیریهای مسلحانه، کمیته ملی حقوق بشردوستانه ایران، چاپ دوم، نشر دالاهو، تهران
۲۵. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۳)، حقوق بشردوستانه بین المللی "رهیافت اسلامی"، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران
۲۶. ممتاز، جمشید و دیگران، (۱۳۷۷)، حقوق بشر در تحولات بین المللی، نشر دادگستر، تهران

